

اوقات سخت ایلان ماسک



زینب کاظم‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

ایلان ماسک آخر هفته را در مارنه‌لاگو با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گذراند. در حالی که ماسک ساعت‌های زیادی را با ترامپ می‌گذراند، سه شرکت‌اش با چالش‌های زیادی روبرو می‌شوند. در روزهای اخیر، ارزش سهام شرکت تسلا با مدیریت ایلان ماسک، حدود ۱۵ درصد کاهش یافته و این موضوع باعث شد او در سال ۲۰۲۵ بیش از ۴۰ درصد زیان کند. همچنین این کاهش حدود ۱۲۷ میلیارد دلار از ارزش بازار او را از بین برد و تسلا تمام سودهای خود را از زمان انتخاب دونالد ترامپ در نوامبر از دست داد.

خود ایلان ماسک هم در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز اذعان کرد، او «به سختی» شرکت‌هایش را اداره می‌کند در حالی که همچنین در دولت ترامپ هم کار می‌کند. دارایی خالص ماسک طی یک‌روز ۳۰ میلیارد دلار ریزش کرد. با این اتفاق دونالد ترامپ اما پشت رقیق‌اش را خالی نکرد و روز بعدش اعلام کرد که او یک ماشین تسلا خواهد خرید. رئیس‌جمهور آمریکا در شبکه اجتماعی تروث نوشته است: «ایلان ماسک برای کمک به کشور ما خطر را به‌جان خرید و کاری خارق‌العاده انجام داد! من برای نشان دادن حمایت‌م از ماسک که یک آمریکایی واقعی بی‌نظیر است، فردای یک ماشین تسلا خواهم خرید.»

زمانی که ترامپ در نوامبر در انتخابات ریاست‌جمهوری برنده شد، بسیاری از سهامداران فکر می‌کردند که نزدیکی ماسک به ترامپ می‌تواند با آسان کردن مقررات، جلب حمایت کاخ سفید و حذف یارانه‌هایی که به رقبای تسلا کمک می‌کند، به نفع این شرکت باشد. اما واقعیت چیز دیگری بود؛ فروش‌ها به‌خصوص در اروپا سقوط کرد و بعضی از تحلیل‌های گویند، این موضوع ارتباط مستقیم با رقابت در بازار و غوطه‌ور شدن ماسک در سیاست هم در آمریکا، هم در خارج از کشور داشته است.

خودروها و نمایشگاه‌های تسلا نیز هدف معترضان و در برخی موارد، خشونت بوده است. اوایل این ماه یک ایستگاه شارژ تسلا در بوستون به آتش کشیده شد و شخصی به سمت نمایندگی تسلا در اورگان تیراندازی کرد. مالکان تسلا در شبکه‌های اجتماعی ادعا می‌کنند که خودروهای آن‌ها نیز هدف قرار گرفته است.

ماسک با بازنشر نظرات حمایتی، درباره تسلا و خودروهایش و تشکر از مردم به خاطر حمایت‌شان، پاسخ داده است. او فعالان لیبرال از جمله جورج سوروس را مسئول این حملات می‌داند.

ترامپ همچنین درباره این اتفاق در شبکه اجتماعی تروث مدعی شده است که چپ‌گرایان رادیکال به‌طور «غیرقانونی» تلاش در بایکوت این شرکت برای «حمله و ضربه زدن» به ایلان ماسک صاحب تسلا هستند.

بعد از حرف‌های ترامپ، سهام تسلا حدود پنج درصد در دادوستدهای پیش‌بازار افزایش داشت. با این حال تحلیلگران سهام می‌گویند که دلیل اصلی عملکرد ضعیف سهام به دلیل ترس از دستیابی تسلا به اهداف تولید و کاهش فروش در سال گذشته است. به گفته تحلیلگران، سیاست‌های اقتصادی خود ترامپ در مورد تعرفه‌ها نیز سرمایه‌گذاران را دلواپس می‌کند. بازارهای ایالات متحده و آسیا روز دوشنبه با فروش سهام توسط سرمایه‌گذاران، به دلیل نگرانی در مورد تأثیر اقتصادی تعرفه‌های ترامپ، سقوط کردند. این امر پس از آن صورت گرفت که رئیس‌جمهور ایالات متحده به کودبا لوقه آمریکا اشاره کرد و در یک مصاحبه تلویزیونی گفت که بزرگ‌ترین اقتصاد جهان در «دوره گذار» است.

در طول فروش، سهام شرکت‌ها فناوری به‌طور قابل توجهی سقوط کرد و سهام تسلا ۱۵/۴ درصد کاهش یافت. سایر شرکت‌ها از جمله انویدیا، متا، آمازون و آلفابت نیز کاهش شدیدی را تجربه کردند.

با وجود اظهارات او، سیاست‌های ترامپ تاکنون برای محدود کردن فروش خودروهای برقی طراحی شده است، از جمله لغو دستور سال ۲۰۲۱ رئیس‌جمهور سابق، جو بایدن، مبنی بر این که نییمی از فروش خودرو و باید تا سال ۲۰۳۰، خودروهای الکتریکی باشد و بودجه‌های خرج‌نشده دولتی برای ایستگاه‌های شارژ متوقف شود. حالا ماسک با چالش‌های زیادی دست‌وپنجه‌نم می‌کند و سهام‌های تسلا به همان سطح قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری بازگشته است.



گفت‌وگو با احمد ایزدپور مدیرعامل جاباما درباره طرح توسعه گردشگری در ایران

همگانی کردن سفر به میانجی فناوری

بوموسی نور می‌فرستیم، فعالیت‌هایم را تنظیم می‌کنم و برای آن تلاش می‌کنم.»

بوم‌های بسیاری وجود دارند که به‌رغم پتانسیل‌های بسیار، از گردشگری سهمی ندارند؛ «توزیع مسافر بیشتر در شمال کشور است. ۸۰ درصد سفرها به ۳۴ شهر انجام می‌شود. در حالی که در همین چهار محال و بختیاری و کوهرنگ، ۲۱ درصد آب‌کشور تأمین می‌شود، پتانسیل طبیعی فوق‌العاده‌ای وجود دارد و بیلاقی ایل بختیاری نیز هست. اما چه کسی اینها را می‌شناسد؟ این منطقه چند گردشگر در طول سال دارد؟»

▼ پروژه مسیر ایران

اما چرا حالا؟ چه چیز باعث شده امروز جاباما به فکر توسعه بوم‌ها و استفاده از پتانسیل آنها بیفتد؟ ایزدپور توضیح می‌دهد: «ما هم مثل هر کسب‌وکار دیگری سه، چهار سال ابتدایی را درگیر از‌سوم و خطا و تلاش برای بقا بودیم. خاصه آنکه ما در شرایطی کارمان را شروع کردیم که فقط مانده بود سنگ از آسمان بیارد. هم کرونا شد، هم شرایط سختی در ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تجربه کردیم... طی همین سال‌ها تلاش می‌کردیم خود را کسب‌وکاری سرپا و در حال رشد نشان داده و آگاهی از برند را افزایش دهیم. اگر چهار سال پیش من از بوموسی و آینده خلق شده این جزیره حرف می‌زدم، بی‌پایه و اساس بود، زیرا در آن زمان برای این آینده خلق شده کاری نمی‌کردم. شخصاً معتمد اگر کلامی می‌گویم، آن کلام باید همان روز در رفتارمان منعکس شود؛ در راهش قدم گذاشته باشیم. اگر امروز از بوموسی حرف بزنم و حداقل یک تور به آنجا نبرده باشم، هیچ تفاوتی با آن بوروکراتی که به بوموسی می‌رود و عکس‌اش را می‌گیرد و روبان‌اش را قیچی می‌کند و برمی‌گردد، ندارم.»

او البته بوموسی را ذیل پروژه‌ای بزرگ‌تر معرفی می‌کند که در سال آینده روی آن تمرکز خواهند کرد و نامش را نیز «مسیر ایران» گذاشته‌اند؛ «ما یک کسب‌وکار مرکزی داریم که در حال پول درآوردن است. از سویی بوم‌های بسیاری در ایران وجود دارد که طبق آینده پیش‌فرض‌شان، هیچ جایی در توسعه گردشگری ندارند، در صورتی که دارای پتانسیل‌های فراوان هستند. در این میان، تلاش ما بر این است که از درآمد حاصل از بیزینس مرکزی که از قضا رشد کرده و توانسته‌ایم توسعه اقتصادی بسازیم و از پس هزینه‌هایمان هم بپوشیم، برای پروژه‌های بلندمدت‌تری سرمایه‌گذاری کنیم. حالا چرامی گویم مسیر؟ چون می‌گویم اگر در این استان بخواهد گردشگری رواج یابد، چند شهر باید درگیر باشند و بر این اساس، مسیری را تعریف می‌کنیم.»

ما با مهجور بودن هیچ بومی کنار نمی‌آیم. حتی ننوشته‌ایم ما بوم‌های مهجور را آباد می‌کنیم. در ذهن من کلمات تصادفی انتخاب نمی‌شوند. این «کنار نمی‌آیم»، «پایش می‌ایستیم» و عباراتی از این دست از یک ناآرامی شخصی-جمعی ناشی می‌شود و فکر می‌کنم بنا بر نوع زیست هر شخصی، یکسری موضوعات اهمیت پیدا می‌کنند. مثلاً من زندگی در منطقه روستایی و محرومیت را دیده‌ام و پتانسیل‌هایش را نیز می‌دانم. در زمان دانشجویی در یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت داشتم و در خاک سفید و دروازه غار کار کرده‌ام.»

ایزدپور البته این مسئله را انکار نمی‌کند که پایه و اساس هر کسب‌وکار اقتصادی را منافع شخصی و جمعی شکل می‌دهند و جاباما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما این نفع شخصی نمی‌تواند تا ابد نقش موتور پیش‌ران را ایفا کند. او درباره چرایی برنامه‌های جدیدشان در جاباما می‌افزاید: «آن روح ناآرام جمعی در جاباما به ما می‌گوید، می‌توانیم به‌فان منطقه فرصتی بدسیم و آینده‌ای را در آنجا محقق کنیم که بدون ما قرار نبوده تحقق یابد. این می‌تواند انگیزه و موتور پیش‌ران ما باشد تا در کنار همه منافع که قرار است با فعالیت‌مان برای خود و همکاران‌مان خلق کنیم، چنین پروژه‌ای را نیز پیش ببریم. گاهی بعضی‌ها روی این کار برچسب ایران دوستی یا توسعه‌گرایی می‌زنند؛ نه اینکه بتوان این پروژه را ذیل چنین مفاهیمی ترجمه کرد، اما شخصاً احساس می‌کنم این واژه‌ها نمی‌توانند حس واقعی‌ام را تعریف کنند. من در دوران کودکی هم دوست داشتم چیزهایی را که خراب هستند، درست کنم. حالا در مقابل بوم‌هایی قرار دارند که با وجود پتانسیل‌هایشان مهجور مانده‌اند و آینده پیش‌فرض‌شان هم مانند در همین وضعیت است. از اینکه این قابلیت را دارم که می‌توانم این آینده پیش‌فرض را تغییر دهم، لذت می‌برم.»

مدیرعامل جاباما منظورش از ناآرامی و جوشش درونی در این پروژه را ساختن آینده‌ای تعریف می‌کند که احقاق آن دست‌نیافتنی به‌نظر می‌رسیده. کاری که نیازمند استمرار و تعهد جمعی است. او آینده پیش‌فرض را در مقابل آینده خلق شده می‌بیند و معتقد است هر چند این آینده امروز شکل روشن و مشخصی ندارد، اما صحبت درباره آن بدون اینکه اقدامی در راستای خلقش انجام داده باشیم، معنایی ندارد. برای همین وقتی جاباما می‌خواهد آینده پیش‌فرض بوموسی را تغییر دهد و آینده جدیدی برایش خلق کند، قدم اول را امروز برمی‌دارد؛ «آن آینده خلق شده باید به نوع عملکرد امروز رنگ و بو دهد. اگر من می‌گویم آینده بوموسی تغییر می‌کند، همین حالا به

گروه فناوری: سال‌هاست گفته می‌شود ایران به‌عنوان سرزمینی چهار فصل می‌تواند گردشگرانی را از سراسر دنیا به خود جذب کند؛ اما نتیجه آن که، نه‌تنها ورود گردشگران خارجی به دلایل مختلف طی سال‌های اخیر کاهش داشته، بلکه با کاهش یافتن قدرت اقتصادی ایرانیان، گردشگری داخلی نیز حال و روز مناسبی ندارد و همان گردشگران نیز دائماً به مقاصد تکراری سفر می‌کنند. به‌گونه‌ای که در ایام تعطیل، جاده‌های منتهی به شمال کشور با ترافیک سنگین مواجه می‌شود و در گوشه‌کنار شهرهای شمالی، تصاویر ناخوشایندی از کمب‌های بی‌رویه به چشم می‌آید. اتفاقی که به زیست‌روزمره مردم این نواحی و محیط‌زیست این منطقه آسیب وارد کرده است. این در حالی است که فعالان حوزه گردشگری بارها از مقاصد کمتر شناخته‌شده‌ای سخن به میان آورده‌اند که می‌توانند برای سفر جذاب‌تر، هیجان‌انگیزتر و پر از تجربیات جدیدتر باشند. اما مشکل تنها ناشناخته بودن یا عدم استقبال جامعه از این مقاصد متفاوت نیست، بلکه برخی از این مناطق نیز از نظر فرهنگی و اقتصادی، آمادگی پذیرش و میزبانی از مسافران را ندارند. در ایس میان جاباما که پیش‌تر تنها در زمینه رزرو اقامتگاه مشغول بود، حوزه فعالیت‌اش را گسترش داده و تورهای تجربه محور برگزار می‌کند. تورهایی که طی آن افراد با تجربیات و مناطق جدید مواجه می‌شوند و به سفر به گونه‌ای دیگر می‌نگرند. از سویی دیگر، این کسب‌وکار تلاش می‌کند تا توسعه این مناطق، فضا را برای حضور گردشگر مساعد کند. نمونه‌اش هم تور بوموسی است که اخیراً امکان آن در جاباما ایجاد شده؛ سفری که از بندر کنگ و خمیر می‌گذرد. احمد ایزدپور، مدیرعامل جاباما می‌گوید در این مدل جدید، توسعه بوم‌ها در حوزه گردشگری را مدنظر دارند. توسعه‌ای که اگر اتفاق بیفتد، قطعاً جاباما اولین کسب‌وکاری خواهد بود که از آن سود می‌برد و به مردم منطقه نیز سود می‌رساند.

▼ آینده خلق شده در برابر آینده پیش‌فرض

ایده توسعه بوم‌ها و سفرهای تجربه‌گرا، چنان که ایزدپور می‌گوید، از یک ناآرامی درونی نشأت می‌گیرد. احساسی که می‌خواهد نظم ناکارآمد موجود را بر هم زند و نظم نوینی را حاکم کند. او در این باره می‌گوید: «به‌تجربه دیده‌ام که هر آدمی با یکسری ویژگی شخصی به دنیا می‌آید و بزرگ می‌شود؛ در تیم ما و خود من، یک ناآرامی و تلاش برای برهم‌زدن نظم موجود می‌بینم که سعی کرده‌ایم این ویژگی در جاباما نیز نمود یابد. زمانی که داشتیم مأموریت جاباما را می‌نوشتم، آورده‌ایم که